

عطایای روحانی و کاربرد آنها (۹)

عطایای موقت نشانه ای (قسمت دوم)

عطای شفا (اول قرن‌تین ۱۰:۱۲)

در درس قبلی، از اول قرن‌تین ۹:۱۲-۱۰ به بررسی قسمت اول عطایای موقت، عطای معجزات رو مطالعه کردیم و امروز ادامه آن را تحت عنوان عطای شفا پی می‌گیریم.

پولس رسول در اول قرن‌تین ۹:۱۲ عطای شفا را، قدرت شفا دادن می‌نامد و سپس در آیه ۲۸ چنین می‌گوید.

اول قرن‌تین ۲۸:۱۲ مقصودم این است که خدا در کلیسا اشخاص معینی را به شرح زیر قرار داده است: اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمین و بعد از اینها معجزه‌کنندگان و شفادهندگان و مددکاران و مدیران و آنانی که به زبانهای مختلف سخن می‌گویند. (ترجمه کلاسیک)

و در ادامه مطلب یعنی آیات ۲۹ و ۳۰ چنین سوالی را مطرح میکند:

اول قرن‌تین ۲۹:۳۰-۳۰ آیا همه رسول یا نبی یا معلم هستند؟ آیا همه معجزه می‌کنند؟ یا قدرت شفا دادن دارند؟ آیا همه به زبانها سخن می‌گویند؟ یا همه زبانها را ترجمه می‌کنند؟ (ترجمه کلاسیک)

از آنجائیکه بیماری و مرض در تمام دورانها یکی از بزرگترین مشکلاتی بوده که تا کنون انسان با آن دست به گریبان است، باید نتیجه گرفت که مطالعه این بخش از حساسیت و اهمیت خاصی برخوردار است. به همین لحاظ در دوران کلیسا این مسئله یکی از بیشترین مواردی بوده که از آن سوء استفاده می‌شد و شیطان سعی نمود، فکر ایمانداران را نسبت به آن مخدوش و کلیسا را ویران کند.

از طرف دیگر هدف از این مطالعه، این نیست که بگوئیم، خدا دیگر کسی را شفا نمی‌دهد و یا تمایلی به انجام آن ندارد.

مروری بر مطالب گذشته

در جلسات گذشته، گفتیم که برای سهولت مطالعه عطایای روحانی، آنها را به چند دسته تقسیم می‌کنیم، که از این قرار بودند.

اولین گروه عطایای روحانی: اشخاصی که دارای عطایای روحانی هستند.

از افسسیان باب ۴ اشاره شد که خدا به کلیسا رسولان، انبیا، مبشرین، شبانان (معلمین کشیش) و معلمین بخشیده است. اینها اشخاصی هستند که خدا به کلیسایش عطا فرموده است.

دومین گروه از عطایا را، عطایای دائمی نامیدیم، که بتوسط روح القدس برای اصلاح و تربیت کلیسا استفاده میشوند.

یازده عطای دائمی را به دو دسته، که دسته اول ۵ عطایای گفتاری و دسته دوم ۶ عطایای خدمتی تقسیم کردیم، که بطور مفصل در جلسات گذشته به شرح آنان پرداختیم.

اکنون به گروه سوم از این عطایا رسیدیم که تحت عنوان عطایای موقتِ نشانه ای، می باشند که شامل (۱) عطای شفا (۲) عطای معجزه (۳) عطای تکلم به زبانها و (۴) عطای ترجمهٔ زبانهاست.

قبلاً اشاره کردیم که هدف اصلی از این گروه عطایای موقت، بنا یا اصلاح کلیسا نبوده، اگر چه بطور ضمنی این کار را نیز انجام می دادند، اما منظور اصلی آنها، تأیید و اعتبار پیام خدا در عصر رسولان بود.

جلسهٔ گذشته، عطای معجزات را از اول قرنهای ۱۰:۱۲ بررسی کردیم. گفتیم که عطای معجزات، عطای قدرتمندی است که برای اخراج دیو به کار گرفته می شد.

ما در هیچ جای کلام خدا نمیبینیم که شاگردان مسیح با دخالت بر قوانین طبیعی معجزه کنند.

هیچ کدام از رسولان یا رسولان کلیساها معجزه ای مثل غذا دادن به پنج هزار نفر انجام ندادند.

البته پطرس بر روی آب راه رفت، اما آن معجزه توسط مسیح انجام شد.

پس عطای معجزات برای اخراج دیو به کار گرفته می شد. یعنی عملاً با قدرتِ حاکمیت خدا در مقابل نیروهای تاریکی عمل می کند.

در اینجا ما به مطالعهٔ دومین، از چهار عطای موقت، یعنی عطای شفا می پردازیم.

بیماری و مرگ

بیماری، علاوه بر این که یک واقعیت تلخ و دشمن درجهٔ یک انسان می باشد، شدیدترین ضربات را دارد و بیشترین صدمه را به انسان میزند. بخصوص زمانیکه با ضربهٔ نهایی اش، باعث مرگ شخص می شود.

بیماری از آدم و حوا در باغ عدن آغاز شد. از همان زمان نیز انسان به جستجوی علاج آن مشغول شد تا بتواند از درد و رنجهای آن بکاهد.

اگر به قبایل غیر متمدنی که در دنیا فقط تعداد معدودی از آنها باقی مانده اند مراجعه کنیم، خواهیم دید که آنها پزشکانی دارند که با جادوگری به کمک داروها و زهرهای خاصی به مداوای امراض می پردازند.

حتی مدرنترین بیمارستانها هم در پی مداوای بیمارانشان تلاش می کنند.

در تاریخ مصر باستان شاهد قدیمی ترین و عجیبترین داروها هستیم.

انسان همیشه در پی علاج و مداوای بیماریهایی بوده که برایش رنج و عذاب و بیچارگی فراوان به ارمغان آورده است.

همین نیاز شدید باعث شد تا در اوائل قرن بیستم بسیاری از مسیحیان در آمریکا مجذوب یک نهضت کاذب بنام نهضت پنطیکاست، شوند و در اواسط همان قرن، یعنی اواسط قرن بیستم، تحت عنوان جلسات بیداری شفا، عصر تازه ای را آغاز کنند که تا الان هم آثارش دیده می شود.

نهضت کاذب پنطیکاست قرن ۲۰

نهضت پنطیکاست قرن ۲۰ یکی از نهضت‌های کاذب با رشد بسیار سریع در تاریخ مسیحیت است. اکثر پیامدهای این نهضت، بسیار بد و مخرب بوده اما از طرف دیگر، محاسنی هم داشته است.

یکی از محاسن این نهضت این بود که مجبور شدیم کلام خدا را بدقت مطالعه و تحقیق کنیم و دریابیم که آیا آنچه آنها در رابطه با عطایا و کاربرد آنها ادعا می‌کنند صحت دارد یا خیر.

پیروان نهضت پنطیکاست مدعی هستند که تمام عطایای روحانی در حال حاضر فعالند و درست مثل زمان رسولان افرادی هستند که دارند از آنها استفاده می‌کنند. اگر اینطور باشد سر ما بی کلاه مانده و حسابی از کار خدا عقب افتاده ایم.

آقای Oral Roberts به مردم قول داده بود که اگر به سازمان او کمک مالی کنند، خدا هر روز یک معجزه برایشان انجام خواهد داد.

او حتی کتابی تحت عنوان "یک معجزه در روز جلوی شیطان را می‌گیرد" *A Miracle a Day Keeps the Devil Away*، چاپ کرد.

بعضی از کشیشان این نهضت، از طریق پست برای مردم دستمال‌های دعا می‌فرستند و از آنها می‌خواهند که بر روی محل بیماری بگذارید و بعنوان یک نقطه تماس ایمان، از آنها استفاده کنند. سپس در یک پاکت دیگر آنرا پس بفرستند تا آن شخص شفا دهنده، که دارنده عطای شفاست، تمام شب را بر روی دستمال دعا کند و آنوقت شفا مثل نهی از این طریق جاری خواهد شد.

متأسفانه بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی مسیحی، اعم از خارجی و ایرانی تحت تاثیر این نهضت فریب انگیز و افراطی شده‌اند، و اگر ما ایمانداران قدرت تشخیص راست از دروغ را ندهیم به آسانی جز فریب خوردگان خواهیم بود.

جلسات بیداری شفا

جلسات بیداری شفا در ماه جون سال ۱۹۴۶ میلادی توسط آقای William Branham آغاز شد (البته یادآوری کنم که ایشون تثلیث رو قبول نداشت و یگانه انگار بود). در آن دوران آقای Oral Roberts که یک پنطیکاستی افراطی بود همراه با افراد دیگری چون آقای Jack Hoe ، A. A. Allen ، Kathryn Kuhlman، بنی هین و بسیاری دیگر در دهه‌های بعدی به برگزاری جلسات بیداری شفا ادامه دادند.

این گونه جلسات معمولاً با موزیک، موعظه‌های بسیار هیجان انگیز که پیامشان متمرکز اراده خدا برای شفای بیماران است، اداره می‌شوند.

واعظین، آیاتی را که در رابطه با شفا و معجزات هستند، مثل شعار دادن، با صدای بلند و هیجان غیر قابل وصف، برای مردم مرتب تکرار می‌کنند و از قول خدا به مردم وعده شفا و معجزات می‌دهند.

بازی با احساسات و تلقین این مطلب به شنوندگان که خدا می‌خواهد آنها را همین الان شفا دهد، نکاتی است که این واعظین به آن متوسل می‌شوند، تا نمایشی هیجان انگیز اجرا کنند.

از آنجائیکه برای شفای بیماران، خدا هیچگاه به چنین روشهایی نیاز ندارد، و علاوه بر این، هدف او از شفای بیماران در کلامش کاملاً مشخص است، معمولاً در این گونه جلسات هیچ گونه شفای واقعی صورت نمی‌گیرد.

آنچه در این جلسات بر روی سکوها به نمایش گذاشته می شود، یک تغییر جزئی، موقتی و یا بطور کل نمایشی است. این واعظین هرگز قادر به ارائه مدارک مستندی که دال بر حقانیت انجام شفای الهی در جلسات باشد، نشدند. سوال من و بسیاری از حجاجیان و حتی غیر مسیحیان این است که، در این عصر، که دنیای ما گرفتار بحران و بروس کرونا شده، و بیش از هر زمان نیاز به شفای الهی دارد، این آقایان کجا هستند تا با همان وعده های انسانی و نمایشهای ساختگی، شفای بظاهر الهی را جاری کنند؟

متأسفانه اکثر مسیحیان به دلیل کج فهمی و بی تفاوتی باعث شده اند تا مسیحیت وارد یک بحران شود و بسیاری از مردم غیر مسیحی نگاه تمسخر آمیزی به آن داشته باشند.

در ابتدای ایمان مسیحی ام آرزو داشتم که بتونم مثل عیسی مسیح مردم رو شفا بدم. بارها برای عزیزانم که مبتلا به بیماری های لاعلاج مثل سرطان بودند دعا کردم ولی نتیجه ای نگرفتم. گاهی بخودم میگفتم چی میشد اگه من می تونستم به آنها کمک کنم. اینطوری دیگه اونا از سالها درد و رنج و هزینه هنگفت و دربدری آزاد می شدند.

اما واقعیت این است که با گذشت زمان، مردم، بدون در نظر گرفتن مذهبی که دارند، یعنی مسیحی و غیر مسیحی، بر اثر انواع بیماریها، هر روزه در سراسر دنیا می میرند، و من و شما قادر به شفای هیچ کدام از آنها نیستیم.

فکرش را بکنید اگر میشد گروهی از مسیحیان را با عطای شفا، به نقاط مختلف دنیا، جاهاییکه بیماری و مرض بیداد میکند، می فرستادیم، تا با دعا بنام عیسی مسیح و دستگذاری بر مریضان، همه را شفا بدهند و ریشه بیماری و بروس کرونا را از دنیا بردارند، چی میشد.

در کلام می خوانیم که عیسی مسیح در سرزمین فلسطین به مدت سه سال تمام بیماران را شفا داد و بیماری و مرض را از بعضی مناطق ریشه کن کرد.

سوال اینست که چرا امروزه کسانیکه ادعا می کنند عطای شفا دارند، قادر به چنین کاری نیستند.

چرا آنها به بیمارستانها، مراکز روانپزشکی و اورژانس ها نمی روند و در آنجا، بیماری را ریشه کن نمی کنند؟

چرا فقط بر روی سکوها نمایشی خودشان ایستاده تظاهرات راه انداختند. تمام این هیجانات، داد و فریادها فقط به برنامه های آنها محدود می شود.

البته این روزها که دنیا بر اثر و بروس کرونا دچار بحران شدیدی شده، جلسات شفا و کروسیدهای این آقایان شفا دهنده هم تعطیل شده و ظاهراً خبری از آنها نیست.

پاسخ خیلی ساده است، چون شفایی در کار نیست.

در جلسه گذشته اشاره کردیم، هدفی را که عطای شفا دنبال می کرد به انجام رسیده، دیگر این عطا از میان برداشته شده است. پیام رسولان به ثبت رسیده. کلام خدا تکمیل شده است و اکنون در دسترس همه قرار گرفته است.

عیسی مسیح هرگز به شاگردانش ماموریت نداد که به تمام عالم بروید و مرض و بیماریها را ریشه کن کنید. خیر، این فرمان و ماموریت بزرگ مسیح نبود. او فرمود، به تمام عالم بروید و انجیل را موعظه کنید، چون برای مسیح روح

افراد، بیشتر از جسم آنها اهمیت داشت. فرمان مسیح این نبود که مردم را از بیماریهایشان آزاد کنید او میخواست مردم از لعنت گناه آزاد شوند.

برخی تصور میکنند که اگر قدرت شفا دادن مردم را داشتند می توانستند بسیاری را به ایمان مسیحی بیاورند. اگر تصور شما اینطور است، متاسفم که بگویم، اشتباه می کنید.

چون عیسی مسیح سه سال بر روی زمین به شفا و معجزات مشغول بود و تمام بیماریها را شفا داد اما بعد از هزاران شفا و معجزاتی که طی سه سال انجام داد، مردم فریاد مصلوبش کن مصلوبش کن را سر دادند.

تازه بعد از شفای هزاران نفر بیمار، انجام معجزات فراوان، حتی رستاخیز از مردگان، در روز پنطیکاست فقط ۱۲۰ نفر از شاگردان در دعا جمع شده بودند.

خیر دوستان، روش خدا برای نجات و رستگاری مردم این نیست که با استفاده از عطای شفا، مردم را نجات بخشد. خدا ایمان نجات بخش را از طریق شنیدن پیام انجیل، به برگزیدگانش خواهد بخشید.

پولس رسول در در رومیان ۱۷:۱۰ میگوید که ایمان نجاتبخش از طریق شنیدن کلام خدا بدست میآید نه شفای بیماران.

رومیان ۱۷:۱۰ پس ایمان از شنیدن پیام پدید می آید و پیام ما کلام مسیح است.

شفای یک شخص توسط رسولان در اعمال باب ۸ باعث زندان شدن آنها و شروع جفای عظیمی بر کلیسا شد.

در جلسه پیش اشاره کردیم که، پس از دوران رسولان، قدیمی ترین اسنادی که در رابطه با شفا در کلیسا موجود است به کاتولیکها تعلق دارد. این اسناد حاوی اطلاعاتی از جمله شفا بتوسط استخوان یحیی تعمید دهنده، شفا از طریق شیر مریم و از این قبیل شفاها هست.

در مذاهب شرقی، هنوز کسانی یافت می شوند که ادعا می کنند، قدرت شفا دادن بیماران را دارند. آنها با روشهای سنتی و بکارگیری از مراسم سحر و جادو، مریضانشان را مداوا می کنند.

پولس رسول در رساله دوم تسالونیکیان باب ۲ هشدار می دهد که در زمانهای آخر شیطان، با انواع نشانه ها و معجزات فریبنده، سعی بر تشویش و انحراف کشاندن مردم خواهد کرد.

دوم تسالونیکیان ۱:۲-۱۰ ای دوستان، درباره آمدن خداوند ما عیسی مسیح و جمع شدن ما با او، از شما خواهش می کنم نگذارید سخنان کسی که به استناد نامه و گفته های ما یا با موعظه و نبوتهای خود ادعا می کند که روز خداوند فرا رسیده است، شما را مشوش و نگران سازد. نگذارید هیچ کس به هیچ عنوانی شما را فریب دهد، زیرا آن روز نخواهد آمد، مگر اینکه اول شورش عظیمی علیه خدا روی دهد و مظهر شرارت - یعنی آن مردی که از ابتدا مقرر بود به جهنم برود- ظهور کند. او با هر آنچه خدا خوانده می شود و هر آنچه مورد پرستش است، مخالفت می کند و خود را مافوق همه آنها قرار خواهد داد به حدی که در معبد بزرگ خدا می نشیند و ادعای خدایی می کند. ... اکنون شرارت مخفیانه کار می کند، ولی هرگاه قدرتی که مانع آن است از میان برداشته شود به طور آشکار کار خواهد کرد. آنگاه مظهر شرارت ظهور خواهد کرد و عیسی خداوند با نفس دهان خود او را خواهد گشت و با ظهور پر شکوه خود او را نابود خواهد کرد. ظهور آن مظهر شرارت در اثر فعالیت های شیطان خواهد بود و با انواع نشانه ها و معجزات فریبنده و هر نوع شرارتی که برای محکومین به

هلاکت فریبنده است، همراه خواهد بود. چون آنها عشق به حقیقت را که می تواند آنان را نجات بخشد، قبول نکردند.

آقای Rafael Kasson که قبلاً پیرو یکی از مذاهب عرفانی (ارتباط با ارواح Spiritualism) بود در کتابی که تحت عنوان "چالش کاذب" (The Challenging Counterfeit) منتشر کرد چنین میگوید:

"امروزه در دنیا، پیشوایان عرفانی زیادی هستند که با قدرت شیطان شفا و معجزات بسیاری انجام میدهند. من شخصاً قبل از اینکه به مسیح ایمان بیاورم این تجربه را داشتم و بارها شاهد ظهور شفا و معجزات در جلسات عرفانی بوده ام."

خانم Mery Baker Eddy موسس و رهبر فرقه کاذب کریستین ساینس، بتوسط تله پاتی عده ای را شفا داد و امروزه در فرقه های کریزما تیک افراطی بسیاری مدعی هستند که قادر به شفای انواع بیماری ها هستند. کافیسیت چرخی روی کانالهای ماهواره ای مسیحی بیاندازید، تا با بسیاری از آنها آشنا شوید. حتی از پشت برنامه های تلویزیونی شان، برای شفای شما دعا می کنند و به اصطلاح، شفا را جاری می ساند.

یک روز در یکی از برنامه های ماهواره ای به شهادت یکی از این کشیشانی که ادعای عطای شفا دادن داشت، گوش می دادم که میگفت:

من در یکی از جلسات آنقدر حضور خدا را احساس کردم که یک دفعه متوجه شدم آن مکان بوی بهشت را می دهد. این مسئله آنقدر برایم محسوس بود که حتی پارچه کت و شلوارم هم این بو را بخود گرفت. بعد از این واقعه، گه گاهی سری به کمد لباسهایم می اندازم و کروات را که آنروز به تن داشتم بر می دارم و بو میکنم. هنوز هم بوی بهشت را میدهد.

ایشون ادامه می دهد:

من قبل از اینکه در جلسات شفا شرکت کنم، دعا میکنم و خدا از قبل به من میگوید که قصد دارد چند مورد شفا انجام دهد. بعنوان مثال من از قبل می دانم که امروز در جلسه دو نفر سرطانی، یک کمردرد و ۳ سردرد، شفا می یابند. بنابراین من هم اعلام میکنم که این شفاهائیبست که خدا میخواهد امروز بدهد پس کسانی که ایمان شفا را دارند بیایند و شفایشان را دریافت کنند.

متوجه هستید، که شیطان هم، شفاهای دروغین صادر میکند. آقای Kirk Trampler یک وکیل و نویسنده مونیخی میگوید که من برای شفای بیمارانه از نام خدا و مسیح استفاده میکنم ولی به هیچ کدامشان ایمان ندارم. دلیل اینکه از این نامها استفاده میکنم این است که با این کار به منظورم میرسم.

یک دکتر غیر مسیحی بنام William Noland در کتابی تحت عنوان Charismatic Healers چنین مینویسد.

"بالاخره جلسه تمام شد و هنوز صف طولانی از مردمیکه در انتظار شفا بودند باقی بود. اما ساعت ۵ عصر بود و جلسه با یک سرود و دعای فیض خاتمه یافت. خانم Kuhlman آنجا را ترک کرد و مردم نیز پشت سر او رفتند. قبل از اینکه بروم و با خانم kuhlman شخصاً ملاقات کنم، چند دقیقه افرادی را که با صندلهای چرخدارشان در حال ترک آنجا بودند، نگاه کردم. تمام بیمارانی که با امید و ایمان به شفا الهی آمده بودند، در حال ترک آنجا بودند. شخصی را دیدم که سرطان معده

داشت و قبلاً شهادت داده بود که شفا یافته اما میگفت که دوباره مریضی اش برگشته است و با چشمان پر از اشک و ناامیدی آنجا را ترک میکرد.

مرور

هدف ما از مطالعه این بخش از کلام، این است که با شناخت عطایا و کاربرد آنها، قادر به تشخیص حقیقت از دروغ را بدهیم و از انحراف و مسمومیت روحانی، که متأسفانه بشکل فرا فرقه ای، بسیاری را آلوده کرده است، در امان بمانیم. در رابطه با چهار عطا موقت، یعنی عطای معجزات، شفا، زبانها و ترجمه زبانها، گفتیم که خدا این عطایا را، در تائید مکاشفات الهی بتوسط عیسی مسیح به مردم بخشید، و در ادامه آن، بتوسط رسولان برای بنای کلیسا، استفاده قرار گرفتند و پس از گذشت دوره رسولان، با تاسیس کلیسا و به ثبت رسیدن عهد جدید، این عطایا نیز محو شدند. اما، اگر می خواهیم واقعاً معیار درستی از یک شفای واقعی و یک شفا دهنده واقعی داشته باشیم کافیست خود مسیح را در نظر بگیریم و این سوال را از خود بکنیم که او چطور شفا میداد. من در اینجا از کلام خدا، به شش ویژگی در رابطه با شفاهای عیسی مسیح اشاره می کنم.

شش ویژگی در شفاهای عیسی مسیح

اولین ویژگی) مسیح با گفتن یک کلام یا یک لمس ساده شفا میداد

لوقا ۴:۴۰ هنگام غروب همه کسانی که بیمارانی مبتلا به امراض گوناگون داشتند آنان را نزد عیسی آوردند و او دست خود را بر یک یک آنان گذاشت و آنان را شفا داد. (ترجمه مژده)

متی ۸:۵-۹ وقتی عیسی وارد کفرناحوم شد، یک سروان رومی جلو آمد و با التماس به او گفت: «ای آقا، غلام من مفلوج در خانه افتاده است و سخت درد می کشد.» عیسی فرمود: «من می آیم و او را شفا می دهم.» اما سروان در جواب گفت: «ای آقا، من لایق آن نیستم که تو به زیر سقف خانه من بیایی. فقط دستور بده و غلام من شفا خواهد یافت. چون خود من یک مأمور هستم و سربازانی هم زیر دست خویش دارم. وقتی به یکی می گویم "برو" می رود و به دیگری می گویم "بیا" می آید و وقتی به نوکر خود می گویم: "این کار را بکن" می کند.» (ترجمه مژده)

آن سروان رومی یقین داشت که اگر عیسی مسیح یک کلام بگوید غلامش شفا می یافت و همینطور هم شد. علاوه بر این، در مرقس باب ۵ می خوانیم که یائيروس سرپرست کنیسه از عیسی مسیح می خواهد تا بیاید و با لمس کردن، دخترش را شفا دهد.

مرقس ۵:۲۲-۲۳ یائيروس سرپرست کنیسه آن محل آمد و وقتی او را دید، در مقابل او سجده کرد و با التماس زیاد به او گفت: «دخترم در حال مرگ است. خواهش می کنم بیا و دست خود را روی او بگذار تا خوب شود و زنده بماند.» (ترجمه مژده)

کلام خدا میگوید وقتی عیسی به خانه یائيروس رسید دخترش مرده بود ولی مسیح او را لمس کرده زنده می کند. در بین راه در آیات ۲۵ الی ۳۴ زنی که مدت ۱۲ سال مبتلا به خونریزی بود با لمس ردای عیسی مسیح شفا می یابد.

دومین ویژگی) مسیح در لحظه شفا می داد او بلافاصله شفا میداد

در دو واقعه مرقس باب ۵ آیات ۳۴ و ۴۲ یعنی شفای زنی که ۱۲ سال خونریزی داشت و زنده شدن طابیتا، دختر رئیس کنیسه، فوراً انجام شد.

همچنین در مرقس ۷ در مورد شفای یک شخص کر و لکنت دار چنین می خوانیم.

مرقس ۳۵:۷ فوراً گوشهای آن مرد باز شد و لکنت زبانش از بین رفت و خوب حرف می زد. (ترجمه مؤده)

سومین ویژگی از شفاهای مسیح) شفای مسیح کامل بود

لوقا ۳۹:۴ عیسی بر بالین او آمد و به تب دستور داد که قطع شود. همان لحظه ، تب او قطع شد و برخاست و مشغول پذیرایی از ایشان گردید. (ترجمه تفسیری)

چهارمین ویژگی) عیسی مسیح همه را شفا داد

لوقا ۱۱:۹ اما عده بسیاری از مقصد او باخبر شدند و بدنبالش شتافتند. عیسی نیز با خوشرویی ایشان را پذیرفت و باز درباره ملکوت خدا ایشان را تعلیم داد و بیماران را شفا بخشید. (ترجمه تفسیری)

پنجمین ویژگی از شفاهای مسیح) عیسی مسیح بیماری هایی را که در رابطه با عضوهای بدن بود (Organic Disease) را شفا می داد، مسیح کور لنگ مادر زاد، کور مادر زاد، کر و لال، جزام و غیره را شفا داد.

برای مسیح فرقی نمی کرد که نوع بیماری چه باشد.

ششمین ویژگی از شفاهای مسیح) عیسی مسیح مرده را زنده کرد

همانطور که خواندیم در مرقس ۳۵:۵ عیسی مسیح طابیتا را زنده کرد.

در لوقا ۱۱ پسر جوان بیوه زنی را که در تابوت بود، زنده می کند.

او ایلعازر، مرده سه روزه را زنده کرد.

اینها، شش ویژگی شفاهای عیسی مسیح بودند یعنی:

(۱) عیسی مسیح با یک لمس یا، ادای یک کلمه شفا میداد

(۲) عیسی مسیح آنی شفا میداد

(۳) شفای او کامل بود

(۴) شفای مسیح همگانی بود. هر کس به او مراجعه میکرد شفا می یافت

(۵) مسیح اندامهای بدن از جمله، لنگان، نابینایان و مفلوجان را شفا داد

(۶) مسیح مرده را زنده کرد

در انجیل لوقا می خوانیم که عیسی مسیح همان قدرت را به دوازده شاگرد خود داد.

لوقا ۹:۱-۲ عیسی دوازده حواری را پیش خود خواند و به آنها قدرت و اختیار داد تا بر تمامی دیوها چیره شوند و بیماریها را درمان نمایند. آنان را فرستاد تا پادشاهی خدا را اعلام کنند و مردم را شفا دهند.

حال به لوقا ۱۰:۱۰ میرویم و در اینجا میبینیم که عیسی مسیح، این بار به تعداد بیشتری یعنی ۷۰ نفر دیگر همان عطایا را میبخشد.

لوقا ۱۰:۱ و ۹ بعد از این عیسی خداوند، هفتاد نفر دیگر را تعیین فرمود و آنان را دو نفر دو نفر پیشاپیش خود به شهرها و نقاطی که در نظر داشت از آنها دیدن نماید فرستاد. بیماران آنجا را شفا دهید و بگویید 'پادشاهی خدا به شما نزدیک شده است'.

پس تا اینجا عیسی مسیح عطای شفا را به ۱۲ شاگرد و هفتاد نفر دیگر داد.

علاوه بر اینها، عده دیگری که رسولان را همراهی میکردند از قبیل فیلیپ نیز بودند.

تعداد کسانی که، عطای شفا داشتند محدود بود. در کتاب اعمال رسولان نمیبینیم که بیش از این شده باشند.

بنابراین، خدا این عده را برای اعلام پیام انجیل و تعلیم رسولان به کار گرفت و نیز به آنها قوت، آیات و معجزات بخشید تا کلامشان را ثابت نمایند.

بعنوان مثال:

در اعمال باب ۳ پطرس و یوحنا مرد مفلوج مادرزادی را شفا می دهند. شخص شفا یافته جست و خیز کنان همراه پطرس و یوحنا وارد معبد می شود و مردم به محض دیدن او غرق حیرت و تعجب می شوند. نکته اصلی این واقعه را می توانیم در موعظه ای که پطرس بعد از این واقعه می کند دریافت نمود.

اعمال ۳:۱۲-۱۶ وقتی پطرس دید که مردم می آیند گفت: «ای اسرائیلیان چرا از دیدن این امر تعجب می کنید؟ چرا به ما خیره شده اید؟ خیال می کنید که ما این شخص را با تقوی و نیروی خود شفا داده ایم؟ خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب، خدای اجداد ما، بنده خود عیسی را به جلال رسانیده است. آری، شما عیسی را به مرگ تسلیم نمودید و در حضور پیلاتس او را رد کردید، در حالی که پیلاتس تصمیم گرفته بود او را آزاد کند. شما بودید که آن پاک مرد خدا، یعنی آن مرد عادل را انکار کردید و آزادی یک نفر قاتل را خواستار شدید و به این طریق آن سرچشمه حیات را کشتید، اما خدا او را پس از مرگ زنده کرد و ما شاهد این واقعه هستیم. قدرت نام عیسی، این شخص را که می بیند و می شناسید نیرو بخشیده است. به وسیله ایمان به نام او این کار انجام شده است. آری، در حضور جمیع شما ایمان به عیسی او را سالم و تندرست کرده است.

نکته اصلی این است که معجزه مفلوج مادر زاد، نشانه ای در تأیید پیام پطرس بود.

در اعمال باب ۱۹ میبینیم که پولس در شهر افسس ۲ سال می ماند. نتیجه این می شود که جمیع ساکنان استان آسیا اعم از یهودی و یونانی پیام خداوند را شنیدند.

اعمال ۱۹:۱۱-۱۲ خدا به دست پولس معجزات بزرگ نشان می داد. به طوری که مردم دستمالها و پیش بندهایی را که با بدن پولس تماس یافته بود، می بردند و بر بدن مریضان می گذاشتند و آنان از امراض خود شفا می یافتند و ارواح پلید از آنان خارج می گشت.

از این آیه هست که برخی در برنامه های ماهواره ای به خود اجازه می دهند دستمالهای دعا برای مردم بفرستند. دستمالي که در این آیه به آن اشاره شده در اصل یونانی به تکه پارچه ای گفته میشود که پولس عرق خود را با آن خشک می کرد. واژه ای که برای پیش بند از آن استفاده شده در اصل یونانی به پیش بندی گفته میشود که پولس برای کار چادر دوزی بتن می کرد. مردم به محل کار پولس میرفتند و دستمال و پیش بندهایش را برداشته بر مریضان می گذاشتند. اینطور نبوده که خود پولس آنها را بین مردم توزیع کرده باشد.

در اعمال ۱۵:۵ میخوانیم که مردم سعی میکردند که خود را در مسیر راه پطرس بیاندازند تا سایه او بر آنها افتاده آنها را شفا دهد. این بخاطر قدرتی بود که در پیامهایش دیده میشد.

بخاطر شرایط سختی که از طرف یهودیان در آن زمان برای رسولان بوجود آمده بود، خدا مجبور بود که پیام آنها را با آیات و معجزات تأیید کند.

به محض اینکه پیامشان بصورت عهد جدید به نگارش در آمد دیگر عامل تأیید و تثبیت پیام نیز از میان برداشته شد، چون، کلام خدا، خودش را اثبات می کرد.

خیلی مشکل است که بخواهیم خود را در آن شرایط سخت فرض کنیم.

پیام رسولان بسیار تکان دهنده و شک آور بود. فکرش را بکنید که عده ای آمده، اعلام میکنند که شما مسیح تان را اعدام کرده اید. تصور اینکه این پیام چقدر تکان دهنده است بسیار مشکل میباشد.

در اعمال ۳۷:۲ میخوانیم:

اعمال ۳۷:۲ وقتی آنها این را شنیدند دلهایشان جریحه دار شد و از پطرس و سایر رسولان پرسیدند: «ای برادران، تکلیف ما چیست؟»

البته سوال فوق را کسانی پرسیدند که با گوش روحانی به پیام پطرس گوش داده بودند در غیر اینصورت دیگران با شنیدن همان پیام از شدت خشم لباس های خود را دریده، موهای سر خود را کنده و رسولان را به زندان انداختند. سپس گفتند که شما حق ندارید دیگر به این گفته هایتان ادامه بدهید.

اگر در آن زمان خدا از دست رسولان آیات و معجزات صادر نمی کرد، کسی به پیامشان ایمان نمی آورد و صدای آنها در همان نطفه خفه می شد. اما همانطور که می بینیم در پاسخ به شنیدن پیام انجیل، در آن روز ۳۰۰۰ یهودی به مسیح ایمان آوردند و به کلیسا ملحق شدند.

در بابهای بعد ۵۰۰۰ نفر دیگر به آنها اضافه شد و خدا هر روزه نجات یافتگان را به کلیسا می افزود.

فقط شنیدن اینکه آنها مسیح شان را کشته بودند شوک زیادی در آنها ایجاد میکرد.

با مطالعه دقیق اعمال رسولان در می یابیم که معجزات و شفایی را که خدا از رسولان صادر میکرد همان ویژگی شفاهای مسیح را داشت.

درس آینده مطالعه قسمت دوم عطایای شفا می باشد.

فیض و برکت خدا با همه شما باشد و بماند.